



نگاهی به
طنز آیتمی
دایی جان

تمرکز زدایی از پایتخت نقطه مثبت دوره جدید



مجموعه آیتمی دایی جان جدیدترین اثر شبکه نسیم است که به طور مشترک با شبکه خراسان پخش می‌شود. این اولین بار نیست که مجموعه‌ای از شهر مشهد و بدون حضور در شهر تهران موفق می‌شوند که برنامه‌ای در سطح شبکه‌های تلویزیونی سراسری بسازند و روی آنتن ببرند. پیش از این نیز مجموعه‌های «کافی‌شات» از شبکه نسیم و «دی‌بی‌سی فارسی» از شبکه دو به همین شیوه پخش شده‌اند. رویه‌ای که امیدوارم به سایر شهرها نیز تسری پیدا کند و این موقعیت برای مجموعه‌های فعال و خلاق آن‌ها نیز فراهم شود.

مجموعه «دایی جان» دو شخصیت ثابت دارد که همان‌طور که از اسمش پیداست دایی و خواهرزاده هستند و شاکله اصلی برنامه را تشکیل می‌دهند. غیر از این دو، از سایر شخصیت‌ها در میان آیتمی‌ها استفاده می‌شود که برای شوخی با اخبار است. این مجموعه از خلاقیت خوبی بهره جسته است و نقدهایی را به صورت زیرپوستی مطرح می‌کند اما در خنده



سید محمد جواد گنجی بافان

گرفتن از مخاطب چندان موفق ظاهر نمی‌شود. از نقاط قوت برنامه می‌توان به استفاده از کلمات بومی توسط دایی جان و ترجمه آن توسط خواهرزاده اشاره کرد که به نوعی لهجه مشهدی را نیز آموزش می‌دهد. البته برخی از مواقع برعکس این ماجرا رخ می‌دهد که باعث غافلگیری مخاطب می‌شود. از میان آیتمی‌های ثابت برنامه آیتمی آخر آن از آیتمی‌های فکر شده و جذاب است که هجو شایعات در فضای مجازی و زودباوری عده‌ای از افراد را با طراحی شخصیت‌های متفاوت از جمله شوهرعمه به نمایش گذاشته است. آیتمی آشپزی نیز اگرچه قبلاً مشابه آن در مجموعه‌های طنز وجود داشته، اما در این برنامه کاملاً شخصی‌سازی شده و خلاقانه است. همچنین آیتمی خواستگاری نیز اگرچه می‌توانست بهتر باشد اما نمی‌توان گفت که ضعیف از کار درآمده است.

مجموعه دایی‌جان با وجود اینکه ۱۰ قسمت بیشتر نیست اما به دلیل دست خالی تلویزیون در برنامه‌های طنز انتخاباتی در فاصله‌ای بسیار اندک تا انتخابات، ارزش دیدن دارد. پس امیدوارم خودتان را از آن محروم نکنید.

نگاهی به مسابقه پانتولیگ

گلزار؛ مثل همیشه!

ذات مسابقه حالت سرگرم‌کنندگی دارد. این خاصیت باعث می‌شود هر مسابقه‌ای با داشتن یک سری معیارهای کیفی ابتدایی بتواند مخاطب خاص خود را داشته باشد. اگر شبی به منزل دوستان یا فامیل خود بروید و به‌طور اتفاقی تلویزیون منزل آن‌ها مسابقه‌ای در حال پخش داشته باشد، می‌تواند شما را برای دقایقی سرگرم کند. بستگی به قدرت فنی و تکنیک‌های به کار گرفته شده در آن برنامه دارد که می‌تواند شما را تبدیل به مخاطب درجه یک آن برنامه بکند یا نه. یک سری روش‌های آسان و دم‌دستی برای جذب مخاطب در این گونه برنامه‌ها وجود دارد که به نظر می‌رسد تبدیل به سیاست جدید صداوسیما شده است. فرمول مسابقه به علاوه مجری سلبریتی، فرمولی است که صداوسیما برای جذب مخاطب به آن متوسل شده است. یک مسابقه معمولی طراحی کن، مجری سلبریتی پیدا کن و تمام. این روش، روشی است که امروزه در غالب برنامه‌ها دیده می‌شود.

پانتولیگ یک نمونه از این برنامه‌هایی است که با توسل به جذابیت‌های ظاهری مجری سلبریتی آن، قصد دارد که مخاطب قابل توجهی جذب کند. مخاطبی که به احتمال زیاد جنس مونث و کم‌سن جامعه را شامل می‌شود.

بی‌شک تهیه برنامه‌های پرمخاطب و جذاب هزینه بسیار زیادی دارد. هزینه‌ای که راحت‌طلبی برخی تولیدکننده‌ها باعث شده که به جای صرف آن در جهت بهبود کیفیت برنامه‌های تولیدی، صرف استفاده از چهره‌هایی شود که بدون هیچ مهارتی تنها



سید مرتضی هاشمی‌زاده

متکی به جذابیت‌های ظاهری‌شان هستند.

پانتولیگ یک مسابقه تلویزیونی با تهیه‌کنندگی جواد فرحانی و اجرای محمد رضا گلزار است که از ۵ بهمن ماه مصادف با ولادت حضرت علی (ع) و روز پدر از شبکه سه سیما شروع به پخش کرد. این برنامه ترکیبی از پانتومیم، بخش‌هایی شبیه به بیست سوالی و سوالات عمومی است.

گلزار در پانتولیگ همان گلزاری است که در آینه بغل، رحمان ۱۴۰۰، گیسو، ساخت ایران، فیلم عروسی‌اش و... وجود داشت. همان تصویر ثابت و یکنواختی که مردم از محمد رضا گلزار در ذهن دارند را می‌توان در پانتولیگ نیز مشاهده کرد.

هم‌زمانی پخش این برنامه با ولادت حضرت علی (ع)، ملزم به گرمی‌داشتن این روز مبارک در این مسابقه است. به گونه‌ای که مجری برنامه، در تائیه‌های ابتدایی پخش، این روز را در یک جمله کوتاه، در بی‌حس‌ترین و خشک‌ترین حالت ممکن ادا کند و تمام.

شباهت این مسابقه با بخش «ادابازی» خندوانه، باعث می‌شود که از نظر کیفی این دو برنامه را با هم مقایسه کرد؛ از دكور برنامه گرفته تا قوانین بازی. غالب رنگ‌های به کار رفته در دكور مسابقه پانتولیگ تیره است که این تیرگی هیچ سنخیتی با نوع مسابقه که با محوریت ایجاد سرگرمی و انتقال شادی است ندارد. قوانین حاکم بر بازی روال ثابتی ندارد و در یک مسابقه به بازیکنان آسان گرفته می‌شود و در یک مسابقه بسیار سخت گرفته می‌شود. برخی قوانین کلی نیز با قوانین همگانی پانتومیم سنخیت ندارد.

به هر حال پانتولیگ را می‌توان مانند یکی از ده‌ها برنامه‌های تولیدی صداوسیما دانست که اسیر یک روال یکنواخت، تکراری و معمولی شده که تنها وجه متفاوت آن، گلزاری است که می‌توان به آن امیدوار بود که مخاطبان هوادار خود را جذب این برنامه کند.

معرفی انیمیشن اوراین و تاریکی

بترس اما متوقف نشو

تا به حال شده که ترس از یک تغییر، یا ترس از یک آینده پیش‌بینی نشده، شما را از انجام یک تصمیم بازدارد؟ اصلاً راه‌حل شما برای فرار از ترس‌هایتان چیست؟ این موضوع یک انیمیشن جدید به اسم اوراین و تاریکی (Orion and the Dark)، محصول کمپانی دریم ورکس است که در سال ۲۰۲۴ تولید و از پلتفرم نتفلیکس پخش شده است. داستان این انیمیشن درباره پسر بچه‌ای به اسم اوراین است که ترس‌های عجیب و زیادی دارد؛ ترس‌هایی که شاید برای بزرگ‌ترها خنده‌دار و غیرممکن باشد، اما برای اوراین آن قدر بزرگ است که تقریباً زندگی او را فلج کرده و لذت زندگی را از او گرفته است.



محمد ناصر ضایعی

فیلم در همین ابتدا شناخت خوبی از اوراین و دنیای ذهنی با همه ترس‌هایش به مخاطب می‌دهد و حتی ممکن است مخاطب بعضی ترس‌های اوراین را در کودکی تجربه کرده باشد. اما بزرگ‌ترین ترس اوراین تاریکی است و اوراین مجبور است هر شب تاریکی را تحمل و با جیغ و داد و نفرین به مبارزه با آن برود. تا این‌که یک شب تاریکی که از دست داد و نفرین‌های اوراین خسته شده به شکل یک موجود مجسم در اتاق اوراین ظاهر می‌شود و اوراین را برای مواجهه با ترس‌هایش با خود به یک سفر ۲۴ ساعته به دور دنیا می‌برد.

ویژگی مهم و خاص این فیلم روایت خلاقانه و داستان متفاوت آن است. در این فیلم تاریکی و شب دارای یک شخصیت است که دوستانی دارد و دوستان او عبارتند از رُژیا، خواب، بی‌خوابی، سکوت و صداهای نامعلوم که آن‌ها هم هرکدام دارای یک شخصیت هستند. نکته‌ای که این فیلم به آن توجه دارد این است که وجود هرکدام از این موجودات به یک اندازه برای زندگی انسان‌ها ضروری است و هرکدام باید مأموریت خود را به درستی انجام دهند؛ وجود هرکدام از این شخصیت‌های متضاد، به دیگری معنا می‌بخشد.

شاید پیام فیلم برای مخاطب کودک این باشد که تاریکی نه تنها ترس ندارد، بلکه تاریکی خواب و آرامش و سکوت را به بشر هدیه می‌دهد و همچنین به روشنایی و نور معنا می‌بخشد. اما در لایه‌های عمیق‌تر پیام اصلی فیلم این است که ترس از ناشناخته‌ها در زندگی انسان‌ها طبیعی و حتی ضروری است؛ آن چیزی که ترس را منفی می‌کند این است که انسان را از حرکت به جلو بازدارد. به عبارت دیگر تنها راه حل مشکل ترس، مواجه شدن با آن است. شجاعت به معنای نترسیدن از یک چیز نیست، بلکه به معنی انجام یک تصمیم و حرکت با وجود ترس است. انیمیشن اوراین و تاریکی در انتقال این مفهوم با زبان طنز و داستانی جذاب، کاملاً موفق عمل کرده است.